



• چهارشنبه ۲۳ آبان ۱۳۹۷ • شماره ۱۱۸۵

حدیث روز

امام رضا(ع): هر کس مسلمان فقیری را دیدار کندو بر خلاف سلامه‌ی که به‌ثر وتمندان می‌کند به او سلام کند، روز قیامت در حالی به دیدار خدا می‌رود که بر او خوشگین است.

عین‌الخبار الرضا

ذکر روز چهارشنبه
صد مرتبه یا حی یا قیوم،

در محضر بزرگان

سرچشمه امن و امان

مرحوم استاد صفایی حائری فرموده اند:

آن‌ها که هستی وز ندگی شان را در رفتن‌ها دیده‌اند و ماندن را گندیدن و پوسیدن... با مانع‌ها و درگیری‌هایی رو به رو می‌شوند که همه‌جا خانه گرفته‌اند، در درون آن‌ها، در خانه آن‌ها، در محل شهر و جامعه و در تمام جبهه‌ها. این درگیری‌های مستمر، ناچار بحران‌ها، التهاب‌ها، اضطراب‌ها و زلزله‌هایی به وجودمی‌آورند و روح‌ها هر چند به قدرت کوه‌ها باشند، با چنین زلزله‌هایی همراه خواهند شد. این اضطراب‌هاوزلزله‌ها علامت نقص نیست... در این حرکت و در این درگیری‌های وسیع و در کنار تحول‌ها و تغییرهای مستمر، آن‌ها که در کنار متغیرها لرزیده‌اند و زیر و رو شده‌اند، ناچار به ثابت و حق، به... نزدیک می‌شوند و اوست که آن‌ها را به ثابت می‌رساند و به آن‌ها امن را می‌بخشد. سرچشمه اصلی این قطره‌های امن و امان دو چیز است: یکی قرآن و دیگر پیوند دعا.

بر گرفته از «بشنواز نی»

حکایت

شجاعت یاسخاوت

بین دو گروه بر سر شجاعت و سخاوت بحث در گرفته بود. عده‌ای بر این باور بودند که اگر آدم شجاعت نداشته باشد، دیگران تحقیرش می‌کنند. عده‌ای دیگر می‌گفتند سخاوت نیاز روح انسان است. دست آخر از حکیمی کمک خواستند و آن حکیم گفت: «آن‌را که سخاوت است به شجاعت حاجت نیست.»

نوشته است بر گور بهرام گور

که دست کرم به‌ز بازوی زور

بر گرفته از **گلستان سعدی**

کاریکلما تور

• آب سفره دلش را برای ما باز» نمی‌کند.
• شیار پول قبر بدون پول، فشار قبر است!
• پاییز برای محصلان کلاس می‌گذارد!
• مربی فوتبال پول «توپ» می‌خورد.
• شب‌ها مهتاب آفتابی می‌شود.
• برای یکنگه دنیا «هوایی» رفت!
• در هنگامه گرگ و میش تکلیف هوا «روشن» نیست!

رضاوارسته

بریده کتاب

زنان مانند مردان

فرض بر این است که زنان عموماً آرام‌اند. اما احساس زنان هم در دست مثل احساس مردان است، در دست مانند برادران‌شان برای تربیت قوای خود احتیاج به تمرین دارند و برای تلاش‌های خود میدان می‌خواهند. از محدودیت زیاد، از رکود مطلق، درست مثل مردان رنج می‌کشند و کوه فقری است اگر همنوعان خوب‌بخت و ممتاز تر آن‌ها بگویند که: نان‌بای خود را به پودینگ درست کردن و جورابافتن و ناخن‌پیانو گلدوزی محدود کنند.
بر گرفته از «اتاقی از آن‌خود»

اثر ویرجینیا وولف

قرار مدار



اندکی صبر

خاطرات کهنه

اکبر نصرتی

هر نفس

پراز خیال تومی‌شوم

اما آن قدر دوری که دست‌های چشم من

به لمس نگاهت نمی‌رسند

در هر غروب دلتنگی

خاطرات کهنه را مرور می‌کنم

اولین سلامت‌بوی خدنگهدار می‌داد

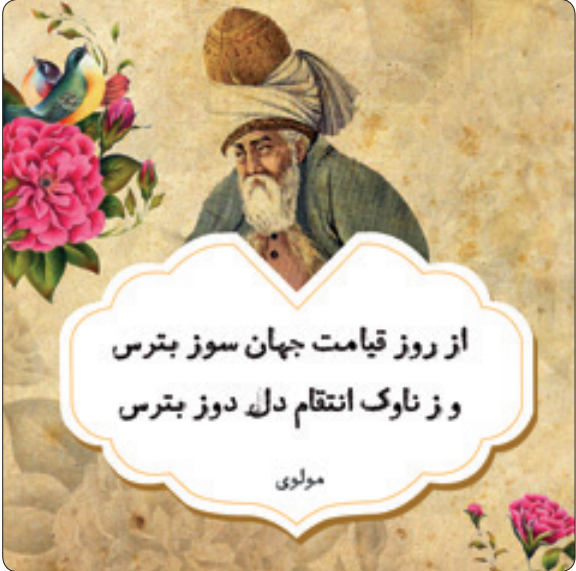
تو نخواستی آمد...

دنیا به روایت تصویر



شین هوا | خشک کردن خرما لو، چین

پند نیکار



خودمونی

برگ‌خزان دیده پاییزی



سمیه کمالیان

روی برگ‌های پاییزی غلت می‌زنید؟ آن قدر می‌چرخید و پیگور می‌گیرید تا عکس‌تان خوب از کار در بیاید؟ دستکش‌های بدون انگشت بافتنی‌تان را می‌پوشید، دست‌هایتان را به حالت پرواز در می‌آورید و سرتان را بالا می‌گیرید و از بالایی عکس‌تان را بر می‌دارد؟ اصلاً عکاس استخدام می‌کنید؟ خوش به حال‌تان!

آخرین باری که من، یعنی ما از طبیعت پاییزی و برگ‌هایش استفاده بهینه کردیم، سال قبل بود که دم در خانه همراه با خواهرم برگ‌های خزان دیده پاییزی ریخته روی ماشین همسایه‌مان را جمع می‌کردیم و توی دست‌هامان به زور جا می‌دادیم. مرد مسن همسایه بازی‌شلوار ی راه‌راه سطل آشغال را دم در خانه‌شان می‌گذاشت. مرد همسایه به ناگاه می‌کرد و ما به سطل آشغال او که جاییش آن جاو آن موقع از روز نبود. هر دو متعجب اما ما باز هم به جمع‌آوری برگ‌های زرد و نارنجی ادامه دادیم. مثل گذشته‌ها، مثل دوران کودکی که برگ‌های زیبار اجدامی قدیم و میان دفتر خاطرات یا حتی دفتر درس و مشق‌مان می‌چسباندیم. حتی یادم می‌آید آن قدر دلبسته‌این برگ‌ها بودم که میان کتاب‌هایم برگ‌ها می‌گذاشتم و بعد از مدتی خرده برگ‌های ریخته شده را کف کیف مدرسه‌ام پیدا می‌کردم.

برگ‌ها را با خواهرم به خانه بردم. کاسه بزرگی پیدا کردم و برگ‌ها را روی هم ریختم. احساس پیروزی می‌کردم. برگ‌ها را خرد کردم و به داد گل‌دان‌هایم رسیدم. برگ‌تاز پاییزی برای گل‌دان قدیمی خانگی، زیبا نیست؟

خلاصه این که بیایید اگر خش‌خش برگ‌های پاییزی حال‌مان را خوب نمی‌کند، آن‌را خوش‌خوشانه و انمود نکنیم. بیایید خودمان باشیم. لاف‌ل‌بین آن غلت‌زدن ناشی از ذوق، حشره، کرم و سوسک یا حتی عقرب بین کلاه بافتنی‌مان گیر نمی‌کند.

منتخب‌های چی‌میگه

شیشه شویی به جای کاربایی



سلام. این هفته کم پیدا بودین، به خصوص جای بعضی از سابقه‌دارهای این ستون خالی بود. شک نکنین که ما چشم به راه پیام‌های شما خوانندگان عزیز مون هستیم. ممنون از همه که تر و تمیز و درست، طبق روش گفته شده تو مسابقه شرکت کردن. پیامک‌های بی‌ربط و بی‌نام‌و بی‌مزه متأسفانه حذف شدن. چندان‌ت از جمله‌های نامک‌تر و انتخاب کردیم که می‌خونید. دمتون گرم و خوش‌باشین همیشه.

• مادر: پسر جان این قدر دنبال کار نگرد،

بیا این جارو و بگیر هر روز خونه رو جارو کن، پولشو بگیر!

• خانم: نمی‌خواد بشینی و هی زنگ بزنی به خیال کار پیدا کردن، سوپر سر کچه دار ده پوشک تعاونی می‌ده برو توصف و ایست‌اشاید به بسته هم گیر تو اومد!

• مادر: تو حال نداری از جات بلند شی تا من این جارو جارو کنم، اون وقت می‌خوای بری دنبال کار!

• زن: بلند شو خودت رو علاف نکن، تو روز نامه کار بر ات نیست، فقط باید شهر دار زنجان بشی!

• پسر: مادر جون، بده من جارو می‌کنم، در عوض شما به جای من برو سر کار! من که هر جا برای کار زنگ می‌زنم منشی زن می‌خوان!

• پسر: الان با این روز نامه یه موشک می‌سازم می‌فرستم سمت دشمنان.

• مادر: فقط حتما جورا بات رو هم باهاش بفرست تا تلفات وزیاد کنه!

• فرزند: ماما! اجازه بده شماره تو این آگهی رو بگیرم، اگر استخدامم کردن خودم جورا بامرو هم می‌شو!

• مادر: تواله کار کردن نیستی پسر جان. باشو به جای علاف کردن خودت با همون روز نامه‌ها و شیشه پاک کن پنجره‌ها رو تمیز کن. این جور ی مفیدتری.

دیدنی‌ها



آسوشیتند پرس | عبور مهاجران از میان رودخانه در مرز مکزیک و گواتمالا به سمت آمریکا

تاپخند

• قیمت‌ها رو ۳۰۰ درصد می‌برید بالا بعد ۵ درصد مایرید پایین، اون وقت میگیذ تورم مهار شده و مردم نگران نباشن؟ نمیگیذ عاشق‌تون می‌شیم؟!

• شما برو شمال بگو من از اکبر جوجه بدم میاد، ۹۹/۹۹ درصد بهت میگن اکبر جوجه خوب نخوردی!

• #نه_به_خشونت_علیه_کودکان به جز کودک‌ن‌پروری فامیل!

• شماهایی که میگیذ مهریه رو کم بزئید، چرانمی گیدز جهیزیه رو کم بیارید؟!

• یک سوال ذهنم رو درگیر کرده، چرا به برف پاک‌کن ماشین نمیکن بارون پاک کن؟!

• متغفرم از اینا که تازه پدر مادر شدن هی می‌پرسن بچه شبیه کیه؟ بابا ده دقیقه است دنیا اومده... شبیه سبب ز منینه فقط!

• دنیا جای بهتری می‌بود اگر شوخی شوخی حرف‌های جدیت رو نمی‌زدی تپش هم بگی شوخی کردم!

• تو شهر بازی نداشتن بپریم تو استخر توپ‌ها، فهمیدم قضیه سی سالگی جدیه!

• از هر چی بدت میاد دقیقا تو بر نامه تغذیه کاهش وزنت جایگا ده یوژه ای داره!

• شاید باورتون نشه ولی به جای این که از دست مون ناراحت بشید که چرا پهتون زنگ نمی‌زنیم، می‌تونید شما این کار رو بکنید!

• اون سندروم که پاییز میشه دلت بهار می‌خواد، بهار میشه دلت زمستون، زمستون میشه دلت تابستون می‌خواد اسمش چیه؟!

دور دنیا

غارنشینی مدرن!



تاکسل - هرمند ایتالیایی غار کوچکی را در جزیره سیسیل در ایتالیا به شیوه‌ای مدرن با وسایل امروزی بازسازی کرده است. اواز جدیدترین بیملان و میز ناهار خوری برای طراحی داخلی این غار استفاده کرده و این غار را به شکل هتلی زیبا درآورده است که البته قیمت هر شب اقامت در آن بسیار بالاست.

بازداشت به دلیل کم کردن سن



دبلی‌میل- یک مرد ۶۹ ساله هلندی به دلیل جعل اسناد و کم کردن ۲۰ سال از عمرش در مدارک شناسایی اش به دادگاه فرخوانده شد. او اعلام کرد که واقعا احساس نمی‌کند ۶۹ ساله است و این تغییر در مدارکش باعث شده است احساس بهتری خودش داشته‌وز زندگی بهتری داشته باشد. او می‌گوید از نظر روانی واقعا با سن شناسنامه‌ای اش مشکل دارد و تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند آن را بپذیرد.

داستانک

راز موفقیت

در سمیناری سخنران از حضار پرسید: «آیا برادران رایت تسلیم شدند؟» حضار فریاد زدند: «نه» سخنران: «توماس ادیسون تسلیم شد؟» حضار: «نه، نشد.» سخنران: «ماری کوری تسلیم شد؟» حضار: «نه، نشد.»

سخنران: «مارک اس‌رسل تسلیم شد؟» مدتی سکوت حاکم شد. سپس یکی از حاضران پرسید: «مارک اس‌رسل دیگر کیست؟ ما تا به حال اسم او را شنیده ایم.» سخنران گفت: «حق دارید که اسمش را شنیده باشید، چون او تسلیم شد!»

فرستنده: مسعود مجنونپور

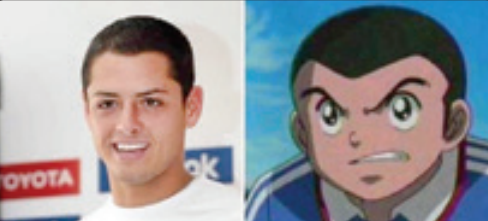
نیاز طنزی‌ها



شایع 99ag



سوارز



خاویر ناندز



ژولیوسزار



گتی ایمیج | دستفروشان روی پل معلق ۳۰۰ متری شیشه‌ای، چین

تفال

سحر به بوی گلستان دمی شدم در باغ
به جلوه گل سوری نگاه می‌کردم
که بود در شب تیره به روشنی چو چراغ

از اون لحاظ

سورپرایز باورنکردنی

محمد امین فرشاد مهر طنزپیر داز

من و پرستو و مرجان بیرون نمی‌آیی. لوس! شوخی نکن... بیا دیگه مسخره. آرش جواب داد: «سلام داداش، مرسی. نه بابا من کی گفتم نیمایم؟! فرامون با پرستو ساعت ۵ شد دیگه.» گفتم: «ای بابا این خنگ چرا به من نمی‌گه پس؟» از آرش خدا حافظی کردم و خواستم گوشی را کنار بگذارم که دیدم حدود پنجاه پیام از پرستو بر ایم آمده. صفحه‌اش را که باز کردم دیدم نوشته: «ببینم تو گفتی داری می‌ری به آرش یگی؟! آرش؟! آمین نری به وقت اشتباهی به آرش بگیا. آمین چیکار کردی؟ آمین کجایی؟ آمین...»

این جا بود که متوجه اشتباهی ظریف شدم. پیام صوتی پرستو را یک بار دیگر گوش دادم. این بار متوجه شدم او گفته: «ببین کیارش می‌گه بی‌حوصله‌ام و فردا نیام؛ مرجان گفت از تو بخوام که راضی‌اش کنی بیاد.» من در حالت خواب‌آلود، کیارش را آرش شنیده بودم و در واقع به جای این‌که پرستو، آرش را سورپرایز کند، سوتی من خود پرستو را سورپرایز کرده بود!

آن شب هم باز من نتوانستم بخوابم. چرا که تا صبح از خنده عریده می‌زدم. آرش هم در دست است که سورپرایز نشد، اما در عوض از تعریف ماجرا احساسی خندید و خوش گذراند. مرجان هم خوب است سلام دارد. پرستو اما تا صبح فحش داد، الان که این متن را می‌نویسم هم در حال فحش دادن است....

یادش به خیر



ماوشما

داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، عکس و هر ایدیه‌مازه‌و جالب خود را به پیامک ۲۰۰۹۹۹۲۰۰۰ تلگرام ۰۹۲۵۴۳۹۴۵۷۶ بفرستید

• تبریک میگییم. دوست تون داریم.
مامان و بابا
• می‌خواستیم با افتخار و کمال میل و کاملاً جدی بگم حاضرم عمو پورنگ دامادم بشه. دخترم ۲۱ ساله و دانشجوی معماری داخلیه، خانوادگی عاشقشیم. لطفاً پشش اطلاع بدین.
س.ع.مشهد
• مطلب درباره بحر میت یا دریای مرده خیلی جالب بود. اتفاقاً چند روز پیش یک زندگی من و چهار فرزند وزشکاش رو مدیریت کرد، تشکر می‌کنم. ۱۷ آبان سالروز ازدواج‌مان مبارک دوستدارم.
فریدون آقایی، تربت حیدریه
• آق کمال لطفاً این هفته عکست رو بذار تا چهره زیبات رو ببینیم.
رفیق فایریکت امیر صادقی، آزادشهر
آق کمال: عکس ره بی خیال، امیر جان بگو ببینم بالاخره از آذاشهری یا نوده گنارده؟ هرچی فکر میکنم رفیق فایربک‌ها آدرس غلط نمندن به همدگه!

• آق کمال، فدای آقایی، تربت حیدریه فکر میکنی یاقی البداهه میه؟

آق کمال: فی البداهه فکر میکنم!

• مرد این بار گران نیست دل مسکینم...

مسعود مجنونپور
• آق کمال خوبی؟ چرا سهام عدالت رو باز قطع کردن؟

زهراف
آق کمال: خوبم. شکر. لابد دیدن همه به سهم عدالت‌شان رسیدن، گفتن بسه دیگه!

ماریپچ(سختی ۵۰)

